

## دلشدگان

ما دلشدگان خسرو شیرین پناهیم  
ما کشته آن مه رخ خورشید کلاهم

ما از دو جهان غیر تو ای عشق نخواهیم  
ما از دو جهان غیر تو ای عشق نخواهیم  
صد شور نهان با ما تاب و تب جان با ما

با ساز و نی , با جام می با یاد وی  
شوری دگر اندازیم در میکده جان  
شوری دگر اندازیم در میکده جان

### جمع مستان غزل خوانیم

همه مستان سر اندازیم, سر اندازیم, سر افرازیم  
جز این هنر ندانیم که هر چه می توانیم  
جز این هنر ندانیم که هر چه می توانیم  
غم از دل ها بر اندازیم بر اندازیم

ما دلشدگان خسرو شیرین پناهیم  
ما از دو جهان غیر تو ای عشق نخواهیم  
صد شور نهان با ما تاب و تب جان با ما  
در این سر بی سامان غمهای جهان با ما

## دلشدگان

6 5 4 3 2 1	6 5 4 3 2 1	6 5 4 3 2 1	6 5 4 3 2 1	6 5 4 3 2 1
هم	رین پنا	خسرو شی	دلشدگان	□ ما
هم	شید کلا	مه رخ خور	کشته آن	□ ما
هم	عشق نخوا	غیر تو ای	از دو جهان	□ ما
هم	عشق نخوا	غیر تو ای	از دو جهان	□ ما
این سر بی	با ما در	ب و تب جان	با ما تا	□ صد شور نهران
		با ما	های جهان	سامان غم
ری دگران	ی □ شو	ی با یاد وی.....	ی , با جام می....	□ با ساز و نی.....
جان	دازیم □ در میکده	ری دگران	جان □ شو	دازیم □ در میکده
		خوانیم	تان غزل	□ جمع مس
	م, □ سران	دازی.....	تان سران	□ همه مس
دازی.....		م	رازی.....	م سر اف
م	توانی	م که هر چه می	ندانی	□ جز این هنر
م □ غم از	توانی	م که هر چه می	ندانی	□ جز این هنر
م	دازی.....	م □ بران	دازی....	دل ها □ بران
هم	رین پنا	خسرو شی	دلشدگان	□ ما
هم	عشق نخوا	غیر تو ای	از دو جهان	□ ما
این سر بی	با ما در	ب و تب جان	با ما تا	□ صد شور نهران
		با ما	های جهان	سامان غم